سامیه اصیل

۲۰۱٤-۱۰-۰۱

# نقش جوانان در بازسازی کشور

کشور ما افغانستان، از جمله ممالکی است که بیشترین نیروی جوان را در خود دارد. شهود بعضی از گزارشات اینست که اکثریت جمعیت افغانها را جوانان بین سنین ۱۸ تا ۲٤ تشکیل میدهد.
جوانان آینده سازان و رهبران یک کشور اند، بناً ضروریست تا این آینده سازان از علم، دانش، فن، حرفه و مهارت های لازم جهت تصویر و اعمار یک آیندهٔ تضمین شده برخوردار گردند.
برای اینکه از نیروی فکری جوانان بخاطر رهبری آیندهٔ جهان، تقدیر به عمل آمده باشد، سازمان ملل سال ۲۰۱۰ میلادی را به سال "جوانان" ملقب کرد. بدون شک کشور افغانستان همچنان مطیع همین طبیعت جهانی می باشد لذا، رهبری آیندهٔ افغانستان نیز به صورت جبری و یا انتخابی به جوانان متعلق خواهد شد. اینجاست که در اذهان این سؤال ایجاد میگردد، آیا این جوانان در شرائط و اوضاع فعلی کشور میتوانند از زمینه های رشد و استقلال فکری بهره مند شوند و در آینده سازی و رهبری کشور نقش شایستهٔ را داشته باشند؟
ایجاب میکند تا زمینه های گسترده و جدی آموزشی و کاری برای جوانان در نظر گرفته شده و عملی گردد چون در شرائط امروزی همه روزه صد ها تن از جوانان به فکر ترک از وطن و بیش و کمتر از آن ممالک دیگر را جهت فقدان شرایط بهتر زندگی برایشان در وطن، ترجیح میدهند. برای مرفوع کردن این فقدان عظیم در جامعهٔ ما، کشور ما نیازمند یک رهبری و سرپرستی درست و جدی بخصوص در رابطه به نسل جوان می باشد. لذا جوانان بکوشند تا رهبر شانرا با نهایت غور و دقیق که شایستگی اش را داشته باشد انتخاب کنند.
به قول فرخنده زهرا نادری نماینده مردم کابل که گفته است" جوانان باید در این روند ملی رسالت شان را ادعاء کنند و نیز دیگران را تشویق نمایند تا همه مردم در انتخابات سهم گسترده داشته باشند"
همچنان رنگینه کارگر نماینده مردم فاریاب نیز در این باره چنین میگوید"جوانان کشور نباید موضوع قومیت، زبان و سمت گرایی را برای به کارگیری آراءِ شان در انتخابات مطرح بسازند. دامن زدن به همچو موضوعات مشکل کشور را حل نمی سازد"
از نظر بعضی از کارشناسان، رهبری سیاسی و روانی جامعهٔ جوان افغانستان تحت تأثیر رهبرانی قرار گرفته است که حتی کوچکترین توجهی در جهت رشد و تکامل افکار و ذهنیت آموزشی و سیاسی جوانان ندارند.
فساد اداری به حیث یک معضلهٔ عمومی معرفی و شناخته شده است، رشد شخصیت ها و ظرفیت های جوانان موضوع قابل مباحثه و تعمق نیست به همین جهت جوانان، خود را در وطن خود نمی یابند چون مقام شان را در جامعه گنگ و مبهم می بینند. همینگونه تجارب شاهد تصمیم گیری های اقتصادی که بیشتر تأثیر عوامل غیر اقتصادی در کشور است می باشد.

هزینه های گزاف ازدواج ها در کشور که بعضاً تعداد مهمانان در یک محفل عروسی به دو سه هزار میرسند، خیلی مروج گردیده که اسباب نومیدی، رنج و درد بی نهایت را در میان جوانان خانواده های کم در آمد شان فراهم کرده است و جوانان نمیتوانند از عهدهٔ اینهمه مصارف بدر آیند و این خود ایجادگر فصاد های اجتماعی و اخلاقی در جامعه میباشد می باشد.
اینهمه حقایق برخی از خانواده ها خود را مجبور می بینند تا برای شکل دادن زندگی مشترک برای فرزندان شان همچنین هزینه های گزاف مراسم ازدواج را حتی از راه قرض و وام هم که شده، متقبل شوند که آنهم در آخر سبب بربادی هر دو جوان میگردد.
بنابر احصائیه گیری رسمی وزارت کار و امور اجتماعی ٤۰ درصد جمعیت افغانستان زیر خط فقر زندگی می کنند و شمار بیکاران این کشور نیز در حدود ۱۰ میلیون نفر است

- موضوع مهمی که از عمده ترین مشکلات اجتماعی در کشور به شمار میرود، پائین بودن سطح سواد و حرفه می باشد که متأسفانه معضلاتی چون بحران امنیت، ضعف اقتصادی، ناهنجاری های اجتماعی و.....را دلیل بوده و قابل نگرانی میباشد می باشد


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

قرار آمار سنجش سازمان ملل متحد، در حال حاضر ٦٦ در صد مردم افغانستان، کاملاً از نعمت سواد بی بهره اند و ٣٤ در صد مردم کشور باسواد اند که بیشتر این افراد صرف می توانند بخوانند و بنویسند و بس.
همینطور سازمان ملل سطح بیسوادی در روستاهای کشور را نـــگران کننده خوانده و گفته است ٩٠ در صد زنـــان و ٦٣ در صد مردان در روستاها بیسواد اند.
ادارۀ احصائیۀ مرکزی افغانستان می گوید: به تعداد ٩/٥ ملیون جوانان در سراسر کشور بیسواد اند، که ٥/٥ ملیون آنان زن و ٤ میلیون شان مرد می باشند.
به قول وزارت معارف، "١١ میلیون تن در کشور بیسواد می باشند." اما این مقامات تعهد سپرده اند کـــه با همکاری نهاد های بین المللی و داخلی، تا ٦ سال دیگر١٣٩٩این مشکل را بصورت کل حل خواهند کرد. من به این باورم که جنگهای طولانی و عدم توجه دولت به رشد و نموی فکری و ذهنی جوانان باعث انحراف آنها گردیده است و اگر همین چنین دوام کند پیامد های منفی بیشتر را در پی خواهد داشت. طوری که معلوم است پول در کشور فراوان است ولی اینکه در کجا و برای چه به مصرف میرسد هم ظاهر است. کسانی که این پول ها را به جای اعمار مکاتب و مؤسسات علمی، برای خریداری رأی و بدست آوردن چوکی های دولتی به مصرف میرسانند خود از تحصیلات کامل برخوردار نیستند.
خلاصه وضعیت تحصیلی، صحی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی جوانان ما در مخاطره بوده، یک تشویش بزرگ برای همه می باشد چون اگر شرایط شرائط زندگی در کشور برایشان به همین منوال به پیش برود میتوانیم آیندۀ کشور را از همین اکنون پیش بینی کنیم زیرا تا زمانی که مردم، خاصتاً جوانان از فواید سواد و حرفه آگاهی کامل نداشته باشند کجا میتوانند برای رشد و پیشرفت سواد و محو بیسوادی کوشا و خوشبین باشند و بتوانند طبق یک پلان و سیستم منظم دست به هم داده در یک مسیر برای اعمار یک جامعۀ نوین بکوشند.

پایان


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ